

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

سال نهم، شماره ۳۳ (بهار ۱۳۹۹) صص ۱۵۸-۱۳۱

واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری (مورد مطالعه: استان کرمانشاه)

■ محسن حسین آبادی ■

دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)، m.farzinfard@sndu.ac.ir

■ سید محمود رضا شمس دولت آبادی ■

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

■ محسن مرادیان ■

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۵

چکیده

یکی از مؤلفه‌های تهدیدهای امنیت ملی در مناطق مرزی، به‌ویژه استان کرمانشاه، خطرات ناشی از نفوذ اندیشه وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری و اقدامات آنها است. اندیشه تکفیر، ریشه در تفکرات ابن تیمیّه (قرن ۸ ق) دارد که بر اساس برداشت انحرافی که از اسلام داشته، عده‌ای از مسلمانان را خارج از دایره اسلام دانسته و آنها را کافر خوانده است. در ادامه، محمد ابن عبدالوهاب (قرن ۱۲ ق) این اندیشه را عملیاتی کرد و بر اساس آن، اقدام به قتل و کشتار مسلمانان نمود. این اندیشه هم‌کنون نیز توسط وهابیان، داعش و سایر جریان‌های تکفیری علیه مسلمانان در حال اجرا است. هدف این پژوهش، شناسایی تهدیدها و آسیب‌های ناشی از فعالیت این جریان‌ها در ابعاد مختلف و ارائه راهکارهای مواجهه با آنها از طریق رویکرد کیفی نظریه داده‌بنیاد است. سؤال اصلی پژوهش این است که «اقدامات جریان‌های سلفی تکفیری چه تهدیداتی را در ابعاد مختلف علیه امنیت این منطقه و امنیت ملی ج.ا.ایران ایجاد خواهد کرد؟». در این پژوهش، از روش‌های نمونه‌گیری نظری و تکنیک گلوله‌برفی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است و اشباع نظری داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند با ۳۸ نفر از خبرگان حوزه‌های سیاسی - امنیتی به دست آمده است. همچنین، ره یافت نظام‌مند استراوس و کوربین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار گرفته شد. به‌اختصار، تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که پدیده ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری در جغرافیای مناطق مرزی و حاشیه‌ای غرب کشور از جمله استان کرمانشاه، تحت تأثیر شرایط علی مختلفی قرار دارد. این پدیده به همراه شرایط مداخله‌گر (حمایت مالی، لجستیکی، آموزشی و رسانه‌ای) و شرایط زمینه‌ای (جریان‌های ایدئولوژیک، عوامل اقتصادی، فرهنگی - فکری، سیاسی - بین‌المللی و اجتماعی)، کنش‌هایی را شامل اقدامات ایدئولوژیک - فرهنگی؛ سیاسی - امنیتی و اقتصادی به وجود می‌آورد. در نهایت، پیامدهای این پدیده عبارت‌اند از تهدیدهای امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی. در انتها نیز پیشنهادهایی برای مقابله با این تهدیدها ارائه گردید.

کلید واژگان: استان کرمانشاه، تهدید، جریان‌های سلفی تکفیری، وهابیت.

مقدمه

«امنیت ملی که توانایی هر کشور برای حفاظت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدهای خارجی تعریف می‌شود، بستر هر گونه پیشرفت علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر شمرده شده است و در نتیجه، اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست» (رحیمی، راد، عالم‌تبریز و مؤتمنی، ۱۳۹۷: ۱۹). شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای با تغییرات دائمی همراه می‌شود که این امر شکل تهدیدها را با دگرگونی و تغییر همراه می‌کند. به همین دلیل است که شناخت تهدیدهای داخلی باید به گونه‌ای مرحله‌ای انجام پذیرد. شناسایی تهدیدهای داخلی جدید را باید انعکاس فرایندهای عمومی دانست که در جامعه ظهور می‌یابد و فضای عمومی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین رویکردی بیانگر این است که «معمای امنیتی» در حوزه امنیت اجتماعی و درون‌ساختاری وجود دارد. غفلت از مخاطرات امنیتی، شکل ناشناخته‌ای از تهدیدها را به وجود می‌آورد و این امر، بحران اجتماعی را گسترش داده و از سوی دیگر، زمینه‌های لازم آسیب‌پذیری امنیتی را در حوزه داخلی فراهم می‌سازد (زرزندی و یاری، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

بیان مسئله و اهمیت تحقیق

محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران سرشار از تهدیدها و فرصتهایی است که منافع و امنیت ملی آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران که تأثیرهای شگرفی را در رویکردهای ملی و جهانی و ساختار نظام بین‌الملل بر جای گذاشت، متناسب با رخدادهای ویژه و عظیمی که با آن روبرو بوده است، حوزه تعاملی وسیعی را با علوم دفاعی و راهبردی به وجود آورد که شناخت و سنجش تهدیدهای نوین و فرصت‌های جدید از یک سو و پیدایش زاویه‌های متفاوت آن از سوی دیگر، نیازمند تدوین راهبردهای مفید و مؤثری است، به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی به کرات به آن اشاره نموده‌اند (رستمی و اسماعیلی، ۱۳۹۵). ایشان در این خصوص فرموده‌اند: «استکبار می‌داند که دل‌های مردم در بسیاری از کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا شرق آسیا، با جمهوری اسلامی ایران است و این کشورها، عمق سیاسی و استراتژیک ایران اسلامی محسوب می‌شوند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴). فرقه‌سازی در جهان اسلام از نقشه‌های قطعی استعمارگران بوده و هست. روشن است که استعمارگران غربی با توجه به تعالیم اسلام که هرگونه سلطه‌پذیری

¹ Security Puzzle

مسلمانان در برابر بیگانگان را نفی می‌کند و همچنین به دلیل اینکه آنان از راه‌های دیگر هم سودی نبرده‌اند، تصمیم به ایجاد اختلاف و دودستگی بر پایهٔ مذهب، مسائل دینی و فرقه‌سازی گرفتند تا به این وسیله بتوانند به اهداف خود دست یابند. در همین راستا، جریان‌های سلفی تکفیری، توان تهدیدآفرینی علیه جمهوری اسلامی ایران را دارند. تمایل برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و سرویس‌های اطلاعاتی آنان به حمایت از جریان‌ها و گروه‌های ضدشیعی، فضای مطلوبی را جهت ایجاد و تعمیق اختلافات گستردهٔ مذهبی در میان مسلمانان جهان و گستراندن منازعات شیعه و سنی در کل جهان اسلام فراهم می‌نماید که عدم توجه به‌موقع و دقیق به این موضوع می‌تواند تهدیدهای امنیتی جبران‌ناپذیری را برای کشور به دنبال داشته باشد (رستمی و اسماعیلی، ۱۳۹۵). بنابراین، شناخت جریان‌های سلفی تکفیری و گروه‌های منتسب به این جریان‌ها و سنجش نسبت آنها با منافع و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران، در اولویت قرار دارد.

این در حالی است که استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از مناطق مرزی برخوردار از جغرافیای سیاسی و راهبردی در همسایگی با کشور عراق و همچنین به‌دلیل وجود شکاف‌های قومی و مذهبی در آن، بستر مناسبی برای حضور و برنامه‌ریزی این جریان‌های تفرقه‌افکن همراه با فعالیت سرویس‌های جاسوسی حامیان آنان است. بافت مذهبی استان، وجود جمعیت قابل توجه اهل سنت در جدار مرز طولانی با کشور عراق و وجود اهل سنت برگشتی از اردوگاه «رمادیه» عراق با جمعیت بالغ بر ۳۰ هزار نفر در جدار مرز، رفتار سلیقه‌ای دولت‌ها به‌جای اتخاذ سیاست واحد در برخورد با اهل سنت، فعالیت جریان‌های معارض‌گردی، پشتیبانی‌های مادی و معنوی بیگانگان و شفاف نبودن سیاست‌های مذهبی دستگاه‌های ذی‌ربط در منطقه، فضای گسترش بیش‌ازپیش آنان را در استان پدید آورده است؛ به‌طوری‌که این جریان‌ها با استفاده از ابزارهای نفوذ و توسعهٔ حضور خود، اعم از انجام اقدامات تروریستی، تزریق بودجه، توسعه نفوذ در میان نسل جوان از طریق انتشار کتب، ماهواره و فضای مجازی به دنبال جایابی و نفوذ در قلمروی مذهبی و تعمیم آن به زمینه‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی هستند و تلاش می‌نمایند تا اقدامات دولت شیعی را در سطح کلان علیه قومیت کرد و سنی‌مذهبان وانمود کنند.

حضور، توسعه و گسترش اندیشه و جریان‌گرایی به سلفی‌گری تکفیری در استان کرمانشاه، از لحاظ ماهیت کارکردی و توسعه اجتماعی، فکری و فرهنگی آن پیامدهایی برای مسائل امنیت ملی، انسجام و وحدت ملی و هم‌گرایی و هویت جمعی کشور در بر داشته است. اهتمام آنان برای ترویج

اندیشه و ایدئولوژی تکفیری، به‌ویژه در نسل جوان همراه با تشدید اختلافات مذهبی، برنامه‌ریزی برای ایجاد تغییر در ترکیب جمعیتی، سوءاستفاده از بستر اعتقادی و اجتماعی ساکنان منطقه برای پیشبرد اهداف خود، از جمله فعالیت‌های آنان است. اطلاعات موجود که مبتنی بر گزارش‌های منابع اطلاعاتی امنیتی است، بیانگر توسعه این اندیشه در سطح منطقه است، به طوری که عده‌ای از جوانان منطقه جذب جریان‌های سلفی تکفیری از جمله داعش گردیده‌اند و ضمن انجام اقدامات تروریستی در داخل کشور، نسبت به اعزام نیروهای انتحاری به کشورهای مختلف از جمله عراق، سوریه و افغانستان اقدام می‌نمایند که تهدیدهای ناشی از این فعالیت‌ها به یک مسئله بالقوه امنیتی تبدیل شده است که پیامدهای منفی امنیتی را به دنبال دارد. ترور «ماموستا شیخ‌الاسلام» در کردستان توسط «گروه توحید و جهاد» با شعار «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (مرزبان‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۰۸) و حمله کور و انتحاری به مجلس شورای اسلامی و مرقد حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نمونه‌ای از گسترش این اندیشه است.

بنابراین، استان کرمانشاه با جمعیت قابل توجه ساکن در شهرستان‌های مرزی خود، به‌ویژه اورامانات و برخوردار از موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی به سبب هم‌مرزی با کشور عراق و مجاورت با حکومت فدرالی کردستان عراق (حکومت اقلیم) و دارا بودن تنوع در اقوام و مذاهب، بستر مناسبی برای وقوع چالش‌های متعدد است. فعالیت گسترده وهابیت افراطی و جریان‌های تکفیری که به دنبال تئوریزه کردن تفکر تکفیر در این مناطق می‌باشند، در کنار حضور و حمایت همه‌جانبه کشورهای معاند منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از این جریان‌ها، بیانگر اجرای راهبرد هدفمند آنان برای ایجاد مشکلاتی در ابعاد مختلف برای نظام اسلامی است که این مسئله لزوم تلاش برای دستیابی به راهبردهای مناسب و هدفمند برای مقابله با این تهدیدها را ضروری می‌سازد. بدین منظور، در پژوهش حاضر به مطالعه و واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه به منظور ارائه راهکارهای عملیاتی پرداخته شده است. نتایج حاصل از آن جهت ارزشمند است که از دید افرادی که تخصص و تجربه‌های غنی از این جریان‌سازی‌ها و آسیب‌های ناشی از آن را دارند، بررسی شده است.

هدف تحقیق: هدف، بررسی تهدیدات ناشی از نفوذ وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری علیه امنیت استان کرمانشاه و ارائه راهکارهایی برای مواجهه هدفمند با این تهدیدات است.

سؤال اصلی: افزایش نفوذ وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری متأثر از چه عواملی است و چه تهدیداتی را متوجه امنیت استان کرمانشاه می‌کند؟ و چگونه می‌توان با آن مواجهه نظام‌مندی داشت؟

پیشینه تحقیق

قنبری و بیات (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در دو بخش تهدیدهای تروریستی جریان‌های افراطی و هم‌مرزی با کشورهای همسایه صورت می‌گیرد، زیرا ایران به علت ویژگی‌های جغرافیایی خود در مناطق مرزی و حاشیه‌ای، تأثیر زیادی بر فعالیت گروهک‌های تروریستی دارد.

رحیمی، راد، عالم‌تبریز و مؤتمنی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «به‌کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب‌آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، راهبردی جدید و مؤثر در ارتقای بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی» به این نتیجه دست یافتند که به‌کارگیری رویکردهای نوین سه‌گانه زنجیره تأمین در صنایع دفاعی، به‌عنوان یک راهبرد جدید به ارتقای توان بازدارندگی و امنیت ملی منجر خواهد شد.

محمدی‌الموتی، وثوقی و امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش‌آفرینی جریان تکفیری» نشان دادند که در سطح باورها و افکار، مؤلفه‌های جریان تکفیری نظیر اجتهاد بی‌ضابطه، دوری از اندیشه‌ورزی نوآورانه و پویا، تکفیر مذاهب و دگراندیشان مذهبی، سطحی‌اندیشی و اصالت‌ظواهر، تعصبات کور و دگماتیسم، پیروی محض از گذشتگان و برداشت و تلقی افتراق‌انگیز از مفاهیم و اعتقادات دینی در تعارض با مؤلفه‌های فکری و اعتقادی هم‌گرایی در جهان اسلام نظیر اجتهاد ضابطه‌مند، خردگرایی، باور به تقریب مذاهب و تشکیل امت اسلامی، عمیق‌اندیشی و نگاه جامع به دین، انعطاف‌پذیری و مدارا، آینده‌نگری و تأکید بر اشتراکات اعتقادی و مذهبی قرار گرفته و منجر به ایجاد واگرایی می‌شود.

زروندی و یاری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی» به این نتیجه دست یافتند که عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت‌اند از مشخص بودن هویت آن؛ قریب‌الوقوع بودن آن یا نزدیکی از نظر فاصله؛ شدت احتمال وقوع آن؛ میزان پیامد احتمالی آن و تأثیر اوضاع و شرایط تاریخی بر تقویت آن.

نتایج پژوهش شاهقلیان قهفرخی و رستمی (۱۳۹۶) با عنوان «تبیین زیرساخت‌های ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش» نشان داد که اطلاق اندیشه سیاسی بر مجموعه

اعتقادی و ایدئولوژی داعش، بازتولید افکار و اندیشه وهابیت، القاعده و گروه‌های افراطی است، زیرا مبانی نظری و فکری داعش را نمی‌توان از افکار سلفیان متأخر و وهابیت جدا انگاشت و همچنین در بحث ساختار و تشکیلات داعش می‌توان گفت که ساختار این گروه، هرمی و نیز دوجبه‌ی، مرکب از ساختار سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای است و در بررسی عملکرد داعش که از اهداف آن نیز جدا نیست، می‌توان به بازیچه بودن و دنبال‌کننده منافع غرب بودن آن اشاره کرد.

رستمی و اسماعیلی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان‌های تکفیری» نشان دادند که وضعیت جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جریان‌های تکفیری در حالت تهاجمی قرار دارد و باید راهبردهای مناسبی در جهت تقویت نقاط قوت برای استفاده حداکثری از فرصت‌ها تدوین و اجرا گردد.

طاهری و احمدوند (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «وهابیت و استمرار حکومت آل سعود» نشان دادند که طی سه قرن گذشته، به‌خصوص هشت دهه اخیر، آل سعود با کمک وهابیت به تدریج بر تمام سرزمین عربستان مسلط شده و با توجه به منافع مشترک و اتحاد طرفین، وهابیت وسیله‌ای برای آل سعود به‌منظور تداوم قدرتشان محسوب می‌شود.

با واکاوی و تحلیل در پیشینه می‌توان گفت، هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی به تبیین و واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه نپرداخته‌اند که با توجه به موقعیت استراتژیک مرزی این استان، انجام آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً رویکرد کتابخانه‌ای را دنبال کرده‌اند و نتوانسته‌اند ارتباط مناسبی بین مسئله پژوهش و واقعیات موجود برقرار سازند، بسیاری از عوامل را به‌طور کامل شناسایی و بررسی نکرده‌اند و یا فاقد نمونه کافی برای تعمیم و تحلیل نتایج هستند. در این مسئله، پژوهش‌های خارجی نیز جانب‌داری نسبت به کشور ایران دارند، لذا بررسی نتایج آنها سوگیری دارد. از این رو، انجام پژوهش حاضر در راستای پر کردن شکاف موجود در مبانی نظری و پیشینه پژوهش و ارتقای سطح امنیت مرزها، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

شکل‌گیری و رشد جریان‌های سلفی تکفیری و وهابیان ناشی از اختلافاتی است که پس از رحلت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جامعه مسلمانان ایجاد گردیده و تاکنون ادامه دارد و جهان

اسلام ضربات جبران‌ناپذیری را از ناحیه این گروه‌های افراطی متحمل شده است. در ایران و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت این جریان‌ها با حمایت معاندان نظام اسلامی تشدید و تقویت شده است. استان کرمانشاه با توجه به موقعیت راهبردی خود در جوار مرز با کشور عراق و حکومت اقلیم کردستان و برخورداری از تنوع مذهبی بستر مناسبی برای فعالیت این جریان‌ها است و اقدامات و عملکرد این جریان‌ها، اهمیت این منطقه را از منظر وهابیت و جریان‌های افراطی و تکفیری روشن می‌سازد. این مسئله‌ای است که موضوع اصلی این پژوهش بوده و در مبحث قلمروی مکانی پژوهش که در ادامه خواهد آمد به آن پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی تحقیق

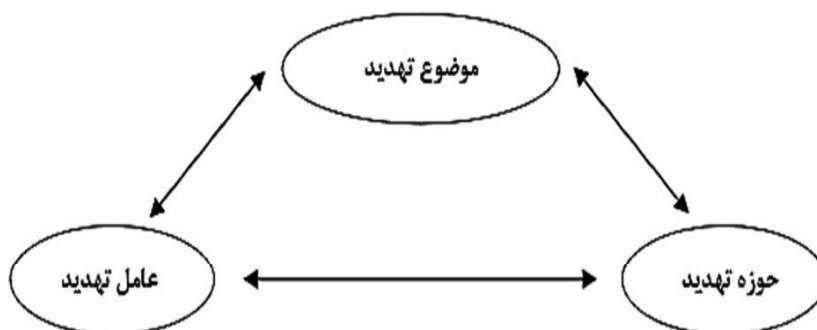
الف) تهدید

«تهدید در لغت به معنای بیم کردن، ترسانیدن و تخویف است» (فرهنگ معین، ۱۳۶۴). آن چنان که از این تعریف استنباط می‌شود، مفهوم ترس در تهدید نهفته است که می‌توان آن را به عدم احساس امنیت در انسان‌ها تعمیم داد. تهدید به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز به علائق و مقاصد امنیت ملی تعریف شده است. همچنین، گاهی تهدید به مثابه شکل بالفعل آسیب‌پذیری تعریف می‌شود؛ آسیب‌پذیری در این تعریف به معنای میزان حساسیت یک ملت و یا یک نیروی نظامی است، به طوری که بتوان با به‌کارگیری توان و ابزار نظامی از توان و کارایی آن ملت یا نیروی نظامی کاست (تاجیک، ۱۳۸۴: ۹۳). در تعریفی دیگر، «تهدید به آن دسته از خطرات بالفعل و بالقوه‌ای اطلاق می‌گردد که ارزش‌های حیاتی یک کشور از جمله تمامیت ارضی، استقلال، حاکمیت ملی، نظام حاکم، نهادهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی، فرهنگ و افتخارات ملی را به خطر می‌اندازد» (چگینی، ۱۳۹۸: ۱۴).

تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت است از یک سلسله حوادث که طی زمانی کم‌وبیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را شدیداً به خطر می‌اندازد یا اینکه دامنه اختیار یک حکومت یا یک کشور یا واحدهای خصوصی را در انتخاب سیاست‌های مقتضی به شدت محدود می‌کند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۹). در مطالعات مربوط به امنیت، تهدید اغلب مفهومی سیاسی است که این اصطلاح در بسیاری از واژه‌نامه‌های علوم اجتماعی به عنوان مفهومی علمی به خوبی تعریف نشده است. برخی تحلیلگران در بررسی‌ها و مطالعات خود از مفهوم ارزیابی تهدید به عنوان یکی از دلایل

برنامه‌ریزی‌های رزمی در طول جنگ سرد استفاده می‌کنند. در این زمان، مفهوم تهدید در چارچوب امنیت ملی و در اشاره به تهدید دوگانه ناشی از قدرت‌های دولتی و همچنین افکار آنها در قالب ایدئولوژی مطرح شده بود. علاوه بر این، در بررسی‌های امنیت ملی بین تهدیدهای سه‌گانه جدایی‌ناپذیر می‌شوند. این تهدیدها شامل تهدیدهای نظامی (تهاجم، اشغال، تغییر دولت، دست‌کاری سیاسی)؛ تهدیدهای اقتصادی (شیوه صادرات، محدودیت‌های واردات، دست‌کاری قیمت‌ها و ارزش، به هم زدن وضعیت ثبات داخلی) و تهدیدهای زیست‌محیطی (آسیب رساندن به پایه فیزیکی دولت) است (Brauch, ۲۰۰۴).

به‌طور کلی، هدف هر نوع تهدیدی، تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف، اراده و حتی به تسلیم کشاندن حریف است که هدف اصلی آن، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت تهدیدها در به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهاست. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی یا روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های خشونت‌آمیز و با به‌کارگیری قدرت نرم، برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۵). تهدید از سه بخش اساسی «کارگزار یا عامل تهدید»، «حوزه تهدید» و «موضوع تهدید» تشکیل شده است. عامل تهدید، در واقع، هویت یا چیزی است که به‌طور بالقوه یا بالفعل، توانایی ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را دارد، در حالی که حوزه تهدید، هویت یا چیزی است که موجودیت و یا دارایی‌های حیاتی آن در معرض خطر قرار گرفته و در نهایت، موضوع تهدید، رخدادی است که به نظر می‌رسد توان درونی و بیرونی انتقال، پشتیبانی یا ایجاد خطر در موجودیت یا دارایی‌های حیاتی بازیگر مورد آماج را در خود دارد (Premaratne, ۲۰۰۴) (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: اجزای تهدید (منبع: زروندی و یاری، ۱۳۹۷)

ب) جریان و جریان‌شناسی

تعاریف متعددی درباره مفهوم جریان و جریان‌شناسی ارائه شده است. در یک تعریف گفته می‌شود که جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است. بنابراین، اندیشه نظام‌مند یک شخصیت علمی که به صورت تشکل اجتماعی ظاهر نشده، جریان نامیده نمی‌شود. همچنین در تعریف دیگر آمده که جریان عبارت است از روند شکل‌گیری یک ایده و سیر تطور تاریخی آن، با در نظر گرفتن فراز و فرودها و آثار آن در عرصه اجتماعی. بنابراین، دارا بودن صبغه اجتماعی و اندیشه مشخص، رفتار معین و مرتبط با آن اندیشه و داشتن تعدادی پیرو، از ویژگی‌های جریان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی است (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۰-۹). اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تری از جریان ارائه شود، باید گفت: «جریان تشکلی نظام‌مند از مجموعه افراد و گروه‌های اجتماعی است که در یک سیر و تطور تاریخی روشن، از مبانی و زیرساخت‌های نظری منسجم و مشترکی برخوردار گشته که توسط رهبران و بنیان‌گذارانی شناخته‌شده، تئوریزه و رهبری می‌شود و توانسته جمعیت قابل‌توجهی از پیروان و هواداران را بر مدار خود جمع کرده و دارای اثرگذاری اجتماعی باشد» (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۷). «مهم‌ترین ویژگی‌های جریان عبارت‌اند از: وجود جمعیت قابل‌قبول و مدیریت‌شده که بر جامعه تأثیر بگذارد» (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۰-۹).

جریان‌شناسی به فرایند شناخت مؤلفه‌های اصلی هر جریان یا جریان‌های موردنظر بازمی‌گردد. این فرایند شامل بررسی شکل‌گیری یک اندیشه و تفکر، بررسی مبانی فکری اعتقادی و دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، دسته‌ای از احزاب و گروه‌ها و تبیین همسویی در مواضع، رویکردها و گفتمان‌ها اشاره دارد (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۷).

ج) جریان تکفیری و وهابیت

معنای سلف و سلفی: سلف در لغت به معنای بستگان انسانی است که دار فانی را وداع کرده و در گذشته‌اند (سبحانی، ۱۳۹۳: ۹).

تکفیر و تکفیرگرایی

در مفهوم‌شناسی تکفیر، ریشه‌ای‌ترین و اصلی‌ترین عبارت، واژه کفر است. کفر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است و در اصطلاح به معنای «ایمان نیاوردن به چیزی است که از شأنش ایمان آوردن

به آن است»، مثل عدم ایمان به خدا و توحید و نبوت پیامبر خدا و روز قیامت (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۹). «تکفیر‌گرایی» را می‌توان نامی عام و جامع برای وهابیت و برداشت و قرائتی نارس و انحرافی از اسلام توصیف کرد. تفسیری که بر اساس آن، هر کسی که باورهای یکسان با تکفیر‌گرایان ندارد، باید حذف فیزیکی شود. بنابراین، می‌توان تکفیر‌گرایی را چنین تعریف کرد: «تکفیر‌گرایی عنوانی است متصف به سلوک رفتاری افراد یا گروه‌های فرقه‌گرا که برخلاف معیارهای شرعی شناخته‌شده، سایرین را به دلیل مخالفت با ایدئولوژی خودشان، با استفاده از روش‌های خشن و تهاجمی نفی و طرد می‌کنند» (مزینانی و خسروپناه، ۱۳۹۴: ۴).

سلفی تکفیری

سلفی تکفیری به گرایش گروهی از سلفیان گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. بر اساس مبانی فکری آنان، میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد، به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر شمرده می‌شود. در جهان اسلام تنها گروهی که چنین عقیده‌ای داشتند، خوارج بودند. خوارج ایمان را بسته به علم می‌دانستند و فرد مرتکب کبیره را از دین خارج و واجب‌القتل می‌شمردند، به همین علت در برابر مسلمانان قد برافراشتند و آنان را به بهانه‌های واهی کشتند. سلفیان تکفیری نیز مسلمانان را به علت انجام امور مذهبی خود، در ردیف مشرکان قرار می‌دهند و در نتیجه آنان را (مهدورالدم) می‌شمارند. مهم‌ترین نوع سلفی‌گری تکفیری، وهابیت است (علیزاده‌موسوی، ۱۳۹۲: ۸۰).

«سلفی‌های تکفیری هر کس که تفکر تکفیری ندارد (سنی، شیعه، سایر فرق و مذاهب و...) را کافر و خون و مال مخالفان خود را مباح می‌دانند» (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱). از نظر سلفی‌های تکفیری، هر کس به اسلام روی نیاورده و آن را در عقیده و سلوک رفتاری، پیاده نکند، با او فقط باید جهاد کرد و در این باره هر مسلمانی شخصاً از طرف خدا مأمور است که چنین افرادی را بکشد. این دسته از سلفی‌ها، آمادگی و انجام جهاد را برای مسلمانان، واجب عینی شمرده و تأخیر در آن را جایز نمی‌دانند.

ابن تیمیه معتقد است «سلف» کسانی هستند که در سه قرن اول اسلام زندگی می‌کردند و تمام فضایل را داشتند؛ این افراد شامل صحابه، تابعان و تابعان تابعان می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی این مکتب، نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض و بدون اندیشه از تفکرات گذشتگان است.

در معنای دوم که کاربرد آن به دوران بیداری مسلمانان برمی‌گردد، سلفیه بر کسانی اطلاق شده است که برای بیداری مسلمانان و رهایی آنان از تقلید فکری غرب و اتکا به فرهنگ و تمدن دیرینه خویش و رجوع به قرآن و سنت با نگاهی تازه و اندیشه‌ای نو برای حل معضلات و مسائل فکری جدید، تلاش کرده و حرکت اصلاح دینی را شکل داده‌اند (محمدی‌الموتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

از سوی دیگر، وهابیت فرقه‌ای است با رهبری «محمد بن عبدالوهاب» که پس از اتحاد با «محمد بن سعود» در سال ۱۷۴۴ میلادی، توانستند با کمک یکدیگر اولین دولت سعودی را در منطقه «درعیه» تشکیل دهند. پس از این توافق، وهابیت در طول سه قرن گذشته همواره به‌عنوان ستون اصلی مشروعیت آل سعود طی سه دولت این خاندان مطرح بوده است و آل سعود نیز به‌منظور بهره‌برداری از نفوذ و تأیید علمای وهابی، با گره زدن توسعه‌طلبی سیاسی - ارضی خود به اجرای فتوای ابن عبدالوهاب، سایر نقاط کشور (عربستان) را تسخیر کرد (طاهری و احمدوند، ۱۳۹۴: ۸۷).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در این باره می‌فرماید: «مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه جاسوسی مبدل شده‌اند که از یک‌طرف اسلام اشراقیت، اسلام ابوسفیان، اسلام آمریکایی و... را ترویج می‌کنند و از طرف دیگر سر بر آستان سرور خویش آمریکای جهان‌خوار می‌گذارند» (امام خمینی، ج ۲۱: ۸۰).

دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز درباره وهابیت چنین است:

از اول وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی مثل اسرائیل در بین جامعه مسلمان‌ها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای اینکه پایگاهی علیه اسلام درست کننده وجود آوردند؛ که به خودشان وابسته باشد و می‌بینید هم که وابسته‌اند. الآن این سلاطینی که در بقعه اسلام وهابی هستند، از اینکه به وابستگی و رفاقت و طرفداری خودشان از سیاست‌های دشمنان اسلام - یعنی آمریکا - تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمی‌دارند (بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون حوزه‌های علمیه اهل سنت، ۱۳۶۸/۱۰/۰۵).

«وهابیان مدعی هستند که در اعمال و افعال خود از سلف صالح پیروی می‌کنند؛ لذا خود را سلفیه نیز می‌خوانند» (طاهری و احمدوند، ۱۳۹۴: ۸۸) و نسبت وهابیت را به خودشان نمی‌پذیرند و آن را ساخته و پرداخته مخالفان و دشمنانشان می‌دانند.

دیدگاه و اندیشه افراطی وهابیت و جریانات تکفیری تاکنون برای جهان اسلام تهدیدزا و امنیت‌زدا بوده است. این جریانات با دارا بودن خشونت فوق‌العاده، تحمیل عقیده، تعصب شدید و افراطی و عدم

آشنایی با ارزش‌های فرهنگی، جمود و مخالفت با هر پدیده نوینی و ضعف منطقی و برداشت غلط از آیات قرآن امنیت جهان اسلام را با تهدید جدی مواجه نموده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۵).
 وحدت‌شکنی یکی از مهم‌ترین ضربات این جریانات بر پیکره اسلام است که برخلاف کلام صریح الهی در قرآن است که می‌فرماید ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آیه شریفه ۱۰۳، سوره مبارکه آل عمران)؛ به ریسمان الهی چنگ زنی و متفرق نشوید. وحدتی که از آن درجه از اهمیت قرار دارد که حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه دست خدا را با جماعت دانسته و می‌فرماید: ألا و من ادعی الی هذ الشعار فاقتلوه و لو کان تحت عمامتی هذا؛ یعنی آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار «تفرقه و جدایی» دعوت کند او را بکشید، هر چند که زیر عمامه من باشد (دشتی، ۱۳۸۴).

وحدت کلمه‌ای که رسول گرامی اسلام در مقابل کفر جهانی ایجاد نمود، به‌وسیله پایه‌گذار مکتب وهابیت درهم شکست و در زیر آسمان، افتخار مدال اسلام، تنها نصیب گروهی می‌شود که مکتب وهابیت را درست بپذیرند، در غیر این صورت از حضیره اسلام بیرون می‌روند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۸).
 «بنابراین تکفیرگرایی را می‌توان نامی عام برای وهابیت و برداشتی انحرافی از اسلام توصیف کرد. مسیری که بر اساس آن هر کسی که باورهای یکسان با جریان تکفیری ندارد، باید حذف فیزیکی شود» (مزینانی و خسروپناه، ۱۳۹۴: ۳)، اما باید دقت کرد، میان عقاید سلفی‌گری و اهل سنت اختلافات اساسی وجود دارد؛ برخی دایره سلفی‌گری را چنان گسترده تصور می‌کنند که همه اهل سنت را دربرمی‌گیرد و سابقه آن را به صدر اسلام بازمی‌گردانند، اما واقعیت این است که بین سلفی‌گری و اهل سنت اختلافات اساسی وجود دارد و سلفی به کسی اطلاق می‌شود که در حوزه‌های روش‌شناسی نقل‌گرا، معرفت‌شناسی حدیث‌گرا، هستی‌شناسی حس‌گرا و معناگرایی ظاهرگرا باشد. به عبارت دیگر، اندیشه سلفی عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب چهارگانه اهل سنت نمی‌گنجد (نصیری‌دامغانی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

د) سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری در قلمروی مکانی پژوهش

استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های استراتژیک مرزی و با جمعیت بالغ بر دو میلیون نفر، از نظر ترکیب مذاهب، بسیار متنوع است؛ به‌نحوی که حدود (۶۸ درصد) شیعه، (۲۱ درصد) اهل سنت، (۱۰ درصد) اهل حق و دودهم درصد سایر مذاهب در استان سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و علت انتخاب استان

کرمانشاه به‌عنوان قلمروی مکانی پژوهش، وجود جریان‌های سلفی در سطح این استان بوده است. بنابراین، سلفی‌گری تکفیری در سال‌های اخیر از نظر توسعه کمی و کیفی در غرب کشور از جمله استان کرمانشاه روند رو به رشدی داشته است، به‌طوری‌که این جریان‌ها با اقدامات تبلیغاتی و روانی گسترده و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه موجود در این منطقه، نظیر جریان‌های مذهبی افراطی با حضور و فعالیت گسترده در مساجد و مراکز دینی و فرهنگی منطقه و تبلیغ چهره به چهره افکار و عقاید سلفی تکفیری و همچنین انجام عملیات روانی از طریق استفاده از سایت‌ها و سایر ابزارها و شیوه‌های پیچیده ارتباطی و تبلیغی توانسته‌اند تعداد زیادی از عناصر مستعد ساکن در استان کرمانشاه را جذب و پس از آموزش و سازمان‌دهی، آنان را در راستای اهداف تشکیلاتی، به‌ویژه نظامی به‌کارگیری نمایند. این افراد ضمن انجام عملیات تروریستی در داخل کشور، با هماهنگی و حمایت کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و هدایت سرویس‌های جاسوسی آنان در نقاط بحرانی خارج از کشور عملیات تروریستی و انتحاری متعددی در کشورهای سوریه، عراق، لبنان، افغانستان، پاکستان و سایر نقاط جهان انجام داده‌اند و در حال حاضر تعداد زیادی از عناصر افراطی موجود با گذراندن آموزش‌های متعدد به‌عنوان سربازان آماده به دستور جریانات تکفیری در سطح منطقه حضور داشته و تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و کشور محسوب می‌شوند. برای ورود به فعالیت جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه، به دو اقدام صورت گرفته که بیانگر نفوذ اندیشه تکفیری در آنان است، اشاره می‌شود: فرد تروریست سلفی تکفیری هنگام ترور شهید ماموستا شیخ‌الاسلام در سنج این شعار را سر داد: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (مرزبان‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۰۸). این موضوع به معنای این است که ماموستای اهل سنت همسوی با نظام را کافر دانسته‌اند. همچنین در حمله انتحاری سال ۱۳۹۶ به مجلس شورای اسلامی، عناصر وابسته به داعش هنگام به شهادت رساندن افراد بی‌گناه این شعار را که منسوب به «ابومحمدالعدنانی» سخنگوی سابق داعش است، بیان می‌کردند: «أَتظنُّ أنا سنرحل؟ كلا، إنا باقون بإذن الله عزوجل»، به این معنا که «آیا فکر می‌کنید ما رفتنی هستیم؟ هرگز چنین نیست، همانا ما باقی خواهیم ماند با اذن خداوند عزوجل» (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۶/۰۳/۰۷).

«به‌اختصار، جریان‌های تکفیری فعال در استان کرمانشاه عبارت‌اند از جریان احفاد صلاح‌الدین با دیدگاه القاعده؛ گروه تکفیری کتائب کردستان (القاعدة کردی)؛ جریان انصار السنه وابسته به تشکیلات جهادی القاعده و جریان عناصر خودسر تکفیری که در شهرستان‌های مختلف استان کرمانشاه فعالیت دارند» (معاونت پژوهش و تولید علم دانشگاه اطلاعات، ۱۳۹۴).

روش‌شناسی تحقیق

از آنجاکه هدف این پژوهش، توسعه علم و کمک به سیاست‌گذاران برای آگاهی از تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه است، توسعه‌ای - کاربردی بوده که با رویکرد کیفی انجام شده است. روش پژوهش، کیفی از نوع نظریه داده‌بنیاد است. خرد مایه به کارگیری این راهبرد، به کاربری آن بازمی‌گردد، زیرا از یکسو، درزمینه اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری، مدل جامعی که تهدیدهای استان کرمانشاه را در نظر گرفته باشد، وجود ندارد و از سوی دیگر، روش نظریه داده‌بنیاد جهت مدل‌سازی و نظریه‌پردازی در حوزه مفاهیم و پدیده‌های نوظهور کارا است. بنابراین، روشمندی نظریه داده‌بنیاد بر پایه نظر مشارکت‌کنندگان و اهتمام به مجموعه‌ای از قضایا و مدل‌های آزمون‌پذیر، منجر به انتخاب این راهبرد شده است. از آنجاکه این نظریه در داده‌ها بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از نظریه‌های موجود اقتباس و یا با آن تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۱: ۳۵). قلمرو زمانی انجام پژوهش از خردادماه ۱۳۹۷ الی مهرماه ۱۳۹۸ بود.

جامعه مورد مطالعه خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه مسائل سیاسی و امنیتی بودند. برای انتخاب نمونه، از روش‌های نمونه‌گیری قضاوتی و گلوله‌برفی استفاده شد؛ بدین منظور ابتدا با ۳ نفر از خبرگان مصاحبه گردید، سپس در نمونه‌گیری گلوله‌برفی، پس از هر مصاحبه، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا افراد صاحب‌نظر را معرفی نمایند. کفایت نمونه‌گیری توسط اشباع نظری داده‌ها محقق شد، لذا نمونه‌گیری تا مصاحبه سی و هشتم که به اشباع رسید، ادامه پیدا کرد. داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند و بررسی اسناد بالادستی، یادداشت‌ها، اظهارات مسئولان، خبرگان و فعالان حوزه جمع‌آوری شدند.

«اعتبار مصاحبه‌ها از روش مثلث‌سازی؛ مطرح کردن سؤالات به چند روش و استفاده از چند مصاحبه‌کننده تأیید شد. برای آگاهی از میزان پایایی از روش «کدگذاری مجدد» و «درصد توافق درون موضوعی» بهره‌گیری شد» (بیابانگرد، ۱۳۸۲). بر این اساس، روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام‌گرفته بر اساس فرمول ذیل بود:

$$2 * \left(\frac{M}{N1 + N2} \right)$$

در این فرمول، «M» تعداد موارد کدگذاری‌شده توسط دو کدگذار است که بین آنها توافق وجود داشته باشد، «N1» تعداد کلی موارد کدگذاری‌شده توسط کدگذار اول و «N2» تعداد کلی موارد کدگذاری‌شده توسط کدگذار دوم است. در صورتی که میزان این شاخص از ۶۰ درصد بیشتر شود،

قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه‌ها مناسب است (بیابانگرد، ۱۳۸۲). بدین منظور برای محاسبه، از یک پژوهشگر مسلط دیگر، درخواست شد تا ۳ مصاحبه را کدگذاری نماید. درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به‌کار میرود، با استفاده از فرمول مذکور ۷۲ درصد شد. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاریها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که پایایی تحلیل مصاحبه‌های کنونی مناسب است (جدول شماره ۱).

پایایی بازآزمون	تعداد موارد مشترک	تعداد کدهای مستخرج			شماره مصاحبه
		مجموع	همکار	پژوهشگر	
70	46	131	61	70	شماره 4
65	53	162	82	80	شماره 9
81	59	144	71	73	شماره 15
72	158	437	214	223	مجموع

جدول شماره ۱: آزمون تأیید پایایی به روش بازآزمون

برای تجزیه و تحلیل اینگونه پژوهش‌ها سه طرح وجود دارد: رهیافت ظهوری گلاسر^۱ (۱۹۹۲)؛ رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۸) و رهیافت ساختی چارمز^۳ (۲۰۰۰) که در این پژوهش از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل یافته‌ها در قالب سه مرحله کدگذاری باز، انتخابی و محوری رهیافت استراوس و کوربین پرداخته شده است.

الف) کدگذاری باز

در این پژوهش، با توجه به طرح نظام‌مند، با تحلیل محتوای متون، از کدگذاری استفاده شد و فهرستی از کدها استخراج شدند و با پیوند دادن کدها به یکدیگر، مفاهیم اولیه شکل گرفت. در این

¹Glaser

²Strauss & Corbin

³Charmaz

مرحله، ۲۳۷ کد از ۳۸ مصاحبه و بررسی یادداشتها و اسناد، استخراج شد. با مقایسه و طبقه‌بندی کدهای مشابه، ۹۴ مفهوم استخراج شدند و در نهایت با طبقه‌بندی مفاهیم مشابه، ۲۲ زیرمقوله (با احتساب مقوله محوری) به دست آمده است (جدول شماره ۲).

مقوله	تعداد زیرمقوله‌ها	تعداد مفاهیم	تعداد کدهای باز
شرایط علی	5	36	70
پدیده محوری	1	1	38
شرایط زمینه‌ای	5	20	41
شرایط مداخله‌گر	4	9	23
راهبردها/ کنش‌ها	3	17	37
پیامدها	4	11	28
مجموع	22	94	237

جدول شماره ۲: تعداد کدهای باز، مفاهیم و زیرمقوله‌های دسته‌بندی‌شده در پژوهش

قضیه ۱ (شرایط علی): «این مقوله‌ها که حاصل شرایط علی هستند، رویدادهایی را دربرمی‌گیرند که به وقوع یا گسترش پدیده محوری می‌انجامد» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین شرایط علی مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از: اقدامات رسانه‌ای معاندین؛ شامل مفاهیم انتشار محصولات فرهنگی هدفمند وارداتی از ارتجاع عربی معاند؛ ایجاد هدفمند جذابیت‌های کاذب در جریان‌ات سلفی تکفیری؛ تبدیل شدن کشته‌شدگان به سمبل‌های جهاد و شهادت؛ ایجاد جریان مسموم در فضای مجازی؛ تقویت ارتباطات با جریان‌های فرااستانی؛ ترسیم فضای انباشت مطالبات محیطی؛ ترسیم چهره وارونه از حاکمیت در محیط؛ عملیات روانی شبکه‌های معاند و ضدانقلاب در بستر محیط و بزرگ‌نمایی کاستی‌ها و تبدیل آن به تنفر و تبعیض مذهبی.

اقدامات اجتماعی؛ شامل مفاهیم مهاجرت هدفمند با تأکید بر قوم‌مداری؛ سوءاستفاده از آرزوها و خلأهای جوانان استان؛ حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت جامعه و فعالیت‌های زیرپوستی عناصر بازگشتی از اردوگاه الرمادیه عراق.

جذب نخبگان جامعه هدف؛ شامل مفاهیم: کادریابی و کادرسازی نخبگان؛ تقویت جریان‌ها و لیدرهای غیرهمسوی بومی در جامعه اهل سنت و نفوذ مویرگی در ادارات و مراکز اقتصادی و خدماتی.

توسعه فعالیت‌های عملیاتی؛ شامل مفاهیم برگزاری جلسات محفلی غیرهمسو؛ بهره‌گیری از جریانات وحدت‌ستیز شیعی؛ ترویج مبانی پان‌کردیسم و مذهبی و تأسیس مراکز قرآنی و محافل غیرهمسو. ایجاد جذابیت مالی؛ شامل مفاهیم حمایت مادی و معنوی از نخبگان مذهبی بومی و حمایت مادی و معنوی خانواده‌های ضعیف.

تعدادی از روایات گفتاری مرتبط با مفاهیم شرایط علی در ادامه ارائه شده است: در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۰۰۰ بیان کرد: «... با توجه به شرایط دشواری که برای اشتغال جوانان وجود دارد، زمینه برای ناامیدی آنها فراهم شده است. بنابراین، معاندان و جریان‌های تکفیری از این خلأ و شکاف میان جوانان و مسئولان استفاده کرده و با حمایت مالی که از کشورهای خارجی می‌گیرند، آنها را به سمت خود ترغیب می‌کنند».

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۰۰۰ بیان کرد: «فقر دانش و اطلاعات و کم‌سوادی آفت بزرگی است که سبب شده برخی از مردم استان به‌خوبی تفاوت میان سره و ناسره را نتوانند تشخیص دهند».

قضیه ۲ (پدیده محوری): «پدیده‌ای محوری است که همواره در داده‌ها ظاهر می‌شود و تمامی مقوله‌های اصلی دیگر با آن مرتبط هستند» (Strauss & Corbin, 2014). در این پژوهش، «ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در غرب کشور» به‌عنوان پدیده محوری برگزیده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که با توجه به شرایط علی ذکرشده در قضیه ۱، امکان ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری و وهابیت افراطی در غرب کشور و به‌ویژه استان کرمانشاه روند رو به افزایشی دارد.

در این رابطه، مصاحبه‌شونده شماره ۰۰۰ بیان کرد: «زمانی که از ظرفیت و پتانسیل متخصصان و نخبگانی که با نظام جمهوری اسلامی ایران موافق هستند، به‌خوبی بهره‌برداری نشود، زمینه برای گرایش به سمت جریان‌های وهابیت افزایش پیدا می‌کند، زیرا جریان‌های تکفیری خیلی خوب می‌توانند از یک شکاف کوچک، بحران بیافرینند».

قضیه ۳ (شرایط زمینه‌ای): «این شرایط نشانگر زنجیره‌ای از شرایط محیطی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. جریان‌های ایدئولوژیک؛ شامل مفاهیم وجود تعصبات کورکورانه و واگرای مذهبی؛ جمع‌گرایی

منفی منطقه‌ای؛ جریان تغییر و توسعه در بافت جمعیتی؛ حس تبعیض و دوگانگی مذهبی و ضعف اندیشه‌ای در نظام مدارس علوم دینی همسو.

۲. عوامل اقتصادی؛ شامل مفاهیم وضعیت اشتغال؛ فقر اقتصادی ملموس و عدم توسعه‌یافتگی.

۳. عوامل فرهنگی - فکری؛ شامل مفاهیم فقر اندیشه‌ای - عقیدتی حاکم بر محیط؛ فقر فرهنگی - اجتماعی حاکم بر محیط و وجود خلأهای متنوع در فقه امام شافعی.

۴. عوامل سیاسی - بین‌المللی؛ شامل مفاهیم فعالیت‌های هدفمند جبهه مقاومت در عرصه منطقه؛ عدم وجود حساسیت‌های لازم در مسئولان؛ بی‌توجهی به مطالبات انباشته شده جامعه هدف؛ فعالیت‌های موازی گروه مخالف ضدانقلاب؛ احساس عدم توازن در توزیع عادلانه اعتبارات و امکانات و عدم وحدت رویه در مواجهه هدفمند با مطالبات جامعه اهل سنت استان.

۵. عوامل اجتماعی؛ شامل مفاهیم کاهش سرمایه اجتماعی؛ وجود نگاه سطحی و سلیقه‌محور و احساس شهروند درجه دو بودن.

یکی از روایات گفتاری مرتبط با مفاهیم شرایط زمینه‌ای در ادامه ارائه شده است:

همچنین مصاحبه‌شونده شماره M30 بیان کرد: «وضعیت اقتصادی به شدت بر تصمیم‌گیری‌های افراد اثر می‌گذارد که جامعه اهل تسنن نیز از این قاعده مستثنا نیستند، لذا با ادراک شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اقتصادی، تمایل به حرکت در خلاف جهت جامعه در آنها ایجاد می‌گردد».

قضیه ۴ (شرایط مداخله‌گر): «این مقوله‌ها نشانگر زنجیره‌ای از روابط خاص هستند که بر راهبردها اثر می‌گذارند» (Strauss & Corbin، 2014). مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. حمایت مالی؛ شامل مفاهیم تزریق منابع مالی مستقیم توسط کشورهای حامی جریان‌های تکفیری و انجام حمایت‌های مالی غیرمستقیم.

۲. حمایت لجستیکی؛ شامل مفاهیم تأمین تجهیزات فیزیکی موردنیاز برای اقدامات متعدد و حمایت فنی جهت بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی.

۳. حمایت آموزشی؛ شامل مفاهیم برگزاری دوره‌های آموزشی نظامی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی عقیدتی و ارائه مشاوره‌های فکری به مروجان جریان‌های تکفیری.

۴. حمایت رسانه‌ای؛ شامل مفاهیم ایجاد ظرفیت استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری و

زمینه‌سازی جهت حمایت در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی.

در این رابطه مصاحبه‌شونده شماره M27 بیان کرد: «جریان‌های تکفیری، فضایی را فراهم می‌آورند تا افرادی که پتانسیل گرایش به سمت آنها را دارند، از جنبه‌های مختلف مادی و معنوی و روحی پشتیبانی شوند و نه تنها خود، بلکه اطرافیان‌شان را هم به این جریان سوق دهند».

قضیه ۵ (راهبردها / کنش‌ها): «راهبردها و کنش‌ها اقداماتی هستند که از پدیده محوری منتج شده و منجر به شکل‌گیری پیامد می‌شوند» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین راهبردها / کنش‌های مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. اقدامات ایدئولوژیکی - فرهنگی؛ شامل مفاهیم تقویت روند فعالیت‌های جریان‌های واگرا؛ تشدید نمودن روند مطالبه‌های نامعقول مذهبی از حاکمیت؛ تقویت حس تنفر از حاکمیت؛ تقویت فضای واگرایی مذهبی در بستر محیط؛ انفعال جریان‌های تبلیغی همسوی اهل سنت؛ تأسیس مراکز تربیت عناصر سلفی تکفیری در پوشش مراکز آموزش قرآن کریم؛ تقویت شکاف‌های مذهبی در بستر افکار عمومی جامعه داخلی استان؛ تلاش برای تقویت شکاف‌های مذهبی در بستر جغرافیایی جامعه هدف.

۲. اقدامات اقتصادی؛ شامل مفاهیم جذب افراد از طریق حمایت‌های مالی به‌ویژه از خانواده‌های کم‌بضاعت و حمایت مالی به‌منظور جذب نخبگان مذهبی و بومی به سمت جریان‌های سلفی تکفیری.

۳. اقدامات سیاسی - امنیتی؛ شامل مفاهیم افزایش هزینه‌های امنیتی بر حاکمیت و نظام؛ کاهش ضریب امنیت پایدار؛ تقویت حس تنفر از حاکمیت؛ درگیر نمودن سرویس‌های امنیتی نظام در محیط؛ افزایش آمار جذب‌شدگان و مهاجرت‌های تبلیغی جهادی و تشدید نمودن روند مطالبه‌های نامعقول سیاسی از حاکمیت.

تعدادی از روایات گفتاری مرتبط با مفاهیم راهبردها/ کنش‌ها در ادامه ارائه شده است:

در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره M2 بیان کرد: «... مدتی است که راه‌اندازی مراکز اسماً آموزشی باب شده؛ مثلاً محافل انس با قرآن کریم که البته هدف دیگری پشت آنها است. در برخی از این مراکز، نیروهای تکفیری آموزش داده می‌شوند که باید به جدیت با آن مقابله کرد».

همچنین مصاحبه‌شونده شماره M15 بیان کرد: «توزیع منابع مالی به خانواده‌هایی که ضعیف هستند، یکی از راهبردهایی است که تکفیری‌ها و وهابیان از آن برای سوق دادن مردم به سمت خود استفاده می‌کنند».

قضیه ۶ (پیامدها): «پیامدها، نتایج و خروجی‌ها در یک مدل پارادایمی هستند» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین پیامدهای مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. پیامدهای امنیتی؛ شامل مفاهیم کاهش ضریب امنیت پایدار داخلی؛ افزایش هزینه‌های امنیتی؛ افزایش حس تنفر از حاکمیت و افزایش درگیری سرویس‌های امنیتی داخلی.
۲. پیامدهای اقتصادی؛ شامل مفاهیم کاهش فرصت‌های جذب سرمایه‌گذاری اقتصادی. کاهش ضریب ورود گردشگران به استان.
۳. پیامدهای اجتماعی؛ شامل مفاهیم افزایش روند فعالیت جریان‌ها و اگر؛ افزایش آمار جذب‌شدگان و مهاجرت‌های تبلیغی جهادی و افزایش روند مطالبات نامعقول قومی - مذهبی.
۴. پیامدهای اعتقادی؛ شامل مفاهیم افزایش فضای واگرایی مذهبی در جامعه هدف.

در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره M11 بیان کرد: «... زمانی که تهدیدهای تروریستی تکفیری‌ها و وهابیان در استان زیاد می‌شود، تمایل به انجام سرمایه‌گذاری کم می‌شود، زیرا هیچ سرمایه‌گذاری تمایل به انباشت سرمایه خود در یک منطقه پرخطر و با ریسک بالا که دائم در حال تهدید است، ندارد، لذا وضعیت اقتصادی استان این چنین می‌شود که با استان‌های دیگر تفاوت چشم‌گیر دارد».

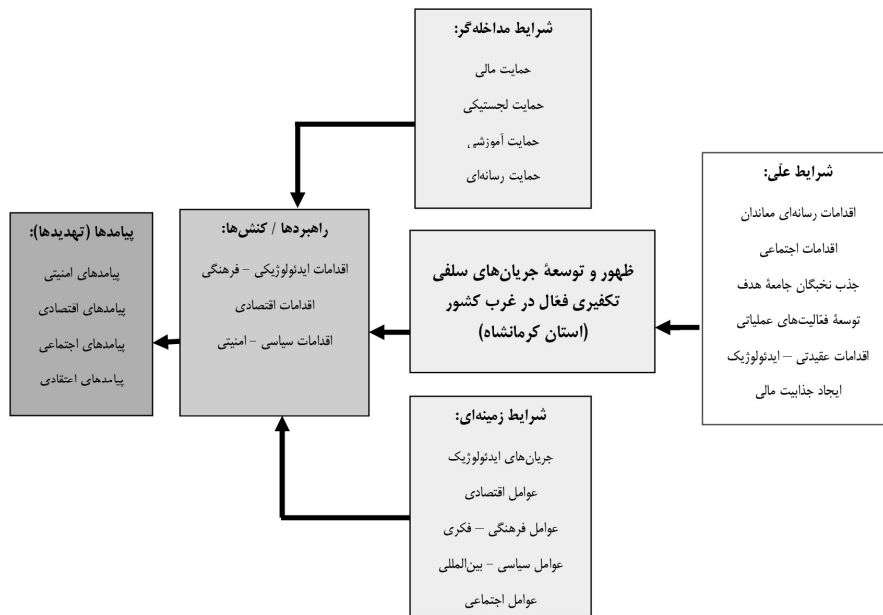
ب) کدگذاری محوری

پس از کدگذاری باز در فرایند کدگذاری محوری، مقایسه مداوم میان مقوله‌ها انجام گرفت تا روابط بین مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی توسعه داده شود. هم‌زمان با انجام کدگذاری باز و محوری، الگویی ساخته شد که حاکی از ارتباط بین مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی است. زمانی که این ارتباطها توسعه داده شدند، از رویه کدگذاری انتخابی استفاده شد تا ادغام مقوله‌ها، در قالب یک نظریه نوظهور تسهیل شود. در پژوهش حاضر، مدل پارادایمی توسعه داده شده که روابط میان مؤلفه‌ها و مقوله‌ها با داده‌های فرایند پژوهش در آن به تصویر کشیده شده است (شکل شماره ۲).

ج) کدگذاری انتخابی

در این سطح، سعی شد که با کنار هم قرار دادن مقوله‌ها حول مقوله محوری، یک روایت اصلی، بر اساس نظریه برای پدیده ارائه شود. روایت ذیل نتایج برآمده از کدگذاری انتخابی برای پدیده

ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در غرب کشور و به‌ویژه در استان کرمانشاه است: «اقدامات رسانه‌ای معاندین، اقدامات اجتماعی، جذب نخبگان جامعه هدف، توسعه فعالیت‌های عملیاتی، اقدامات عقیدتی - ایدئولوژیک و ایجاد جذابیت مالی بسترساز پدیده ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در استان کرمانشاه هستند. راهبردهای حاصل از این پدیده، شامل مواردی مانند اقدامات ایدئولوژیک - فرهنگی، اقدامات اقتصادی و اقدامات سیاسی - امنیتی است که متأثر از عواملی چون حمایت مالی، لجستیک، آموزشی و رسانه‌ای است. این مهم در فضای پیچیده و چندبُعدی با ورود عوامل اقتصادی، فرهنگی - فکری، سیاسی - بین‌المللی و اجتماعی رخ می‌دهد که گروه‌های زیادی با اهداف، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و منافع متفاوت در شکل‌گیری آن نقش دارند. درنهایت، پیامدهای امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی به‌عنوان پیامدهای ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در غرب کشور و به‌ویژه استان کرمانشاه مطرح می‌شوند.»



شکل شماره ۲: کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایمی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

هم‌گرایی در جهان اسلام، همواره یکی از موضوعات مهم و مبتلابه جهان اسلام و از مسائل تأثیرگذار بر سرنوشت امت اسلامی بوده که در زمان کنونی با پیدایش و گسترش جریان‌های تکفیری با چالش مواجه شده است. بدین منظور، در این پژوهش به واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی و استراتژیک پرداخته شده است. تلاش شد تا سؤالات مطرح‌شده در مورد شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای اجرای این راهبردهای مقابله‌ای علیه جریان‌های وهابی و سلفی تکفیری مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال ارائه پاسخ‌های لازم به این سؤالات باشیم. این پژوهش با رویکرد کیفی و مصاحبه عمیق با ۳۸ نفر از خبرگان موضوع انجام پذیرفت و نتایج آن در قالب یک مدل پارادایمی ارائه گردید.

به‌اختصار، نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که گرایش به وهابیت افراطی و جریان‌های سلفی تکفیری به‌عنوان یک واقعیت در استان کرمانشاه به‌ویژه منطقه اورامانات و در قشر جوان روند فزاینده‌ای دارد. به عبارت دیگر، این جریان‌های تکفیری با نفوذ در لایه‌های زیرین جامعه و تولید واگرایی و شکاف‌های قومی - مذهبی در بستر جغرافیای امنیتی و انسانی مناطق اشاره شده در بالا، به‌خوبی توانسته‌اند تا در ایجاد چالش‌ها و آسیب‌های امنیتی استان به ایفای نقش بپردازند. آمار گسترده افراد اعزامی جهت عملیات انتحاری در کشورهای عراق، سوریه و افغانستان و اقدامات تروریستی آنان در داخل کشور از جمله حمله به مجلس شورای اسلامی و مرقد امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در سال ۹۶ بیانگر تهدیداتی است که از جانب این جریان‌ها متوجه امنیت استان و کشور است.

بنابراین، پدیده محوری ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در استان کرمانشاه، در اثر شرایط علی شامل اقدامات رسانه‌ای معاندان، اقدامات اجتماعی، جذب نخبگان جامعه هدف، توسعه فعالیت‌های عملیاتی، اقدامات عقیدتی - ایدئولوژیک و ایجاد جذابیت مالی به وجود آمده است که این شرایط هر کدام به‌نوعی سبب ایجاد تهدیدهای ناشی از جریان‌های تکفیری شده‌اند. این در حالی است که عوامل بسترساز (زمینه‌ای) اقتصادی، فرهنگی - فکری، سیاسی - بین‌المللی و اجتماعی، زمینه تشدید پدیده محوری را فراهم آورده و هر یک، نقش بسزایی در توسعه جریان‌های تکفیری دارند. به‌عنوان مثال، با کاهش سطح سرمایه اجتماعی در جامعه و تضعیف اعتماد میان شهروندان، فضای مناسبی برای رخنه معاندان فراهم می‌گردد. همچنین، عوامل مداخله‌گر که می‌توانند تسهیل‌گر یا تضعیف‌کننده پدیده

محوری باشند، از طریق حمایت‌های مالی، لجستیکی، آموزشی و رسانه‌ای که توسط جریان‌های سلفی تکفیری و کشورهای حامی آنها مانند عربستان سعودی تأمین می‌شود، شرایط تهدیدکنندگی این جریان‌ها را مهیا می‌سازند. راهبردها و کنش‌ها که در نتیجه ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری و تأثیرگذاری بستر محیطی شکل می‌گیرند، شامل راهبردهای ایدئولوژیکی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی هستند. در نهایت، پیامدهای خروجی از این فرایند که در واقع همان تهدیدهایی است که در پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته‌اند، سبب شکل‌گیری تهدیدهای «امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی» برای استان کرمانشاه و به تبع آن، برای کل کشور می‌گردند.

نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قنبری و بیات (۱۳۹۸) در خصوص اهمیت مناطق مرزی در حفظ و ارتقای امنیت ملی؛ رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در خصوص تأثیر امنیت ملی و کاهش تهدیدها در توسعه اقتصادی منطقه؛ محمدی‌الموتی و همکاران (۱۳۹۷) در رابطه با تأثیر اقدامات عقیدتی و ایدئولوژیک در شکل‌گیری جریان‌های سلفی تکفیری؛ زروندی و باری (۱۳۹۷) در خصوص نقش مهم تهدیدهای منطقه‌ای و مرزی بر امنیت ملی و پیامدهای آن؛ شاهقلین قهفرخی و رستمی (۱۳۹۶) در خصوص نقش حمایت‌های کشورهای معاند در ظهور و توسعه جریان‌های تکفیری؛ رستمی و اسماعیلی (۱۳۹۵) در خصوص نقش اقدامات سیاسی و امنیتی در شکل‌گیری تهدیدها و طاهری و احمدوند (۱۳۹۴) در رابطه با نقش کشورهای حامی تروریست (آل سعود) در شکل‌گیری این جریان‌ها و تهدیدهای ناشی از آن، همسو بوده و مورد تأیید قرار گرفته است. امید است که نتایج این پژوهش مورد استفاده سیاست‌گذاران حوزه علوم سیاسی، پژوهشگران و برنامه‌ریزان و مسئولان جهت تدوین برنامه‌های کاهش سطح تهدیدها با اعمال مدل علمی طراحی شده قرار بگیرد.

پیشنهاد‌های کاربردی برخاسته از پژوهش عبارت‌اند از:

۱. ایجاد شبکه و فضای مناسب برای همدلی، همفکری و هم‌زبانی بیشتر با جامعه اهل سنت و اقلیت‌های مذهبی برای افزایش سطح سرمایه اجتماعی؛
۲. کاهش برخوردهای سلیقه‌ای در استان
۳. ایجاد جریان نقدینگی و درآمد برای افزایش سطح رفاه جامعه اهل سنت و کاهش تضاد طبقاتی؛
۴. تدوین سند جامع راهبردی ویژه مناطق اهل سنت برای ایجاد وحدت رویه در مسئولان ملی

و منطقه‌ای در مواجهه با این جامعه؛

۵. تدوین سند راهبردی برای توسعه وضعیت معیشتی استان.

در نهایت، محدودیت‌های پژوهش عبارت بودند از: ضعف تعمیم‌پذیری آماری در روش‌های پژوهش کیفی، نبود معیارهای روشن و شفاف برای ارزیابی کیفیت و قدرت داده‌ها و دشواری دسترسی به داده‌ها.

منابع و مأخذ

الف) کتب فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، چاپ دوم (۱۳۹۵)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (۱۳۹۸)، «مجموعه بیانات مقام معظم رهبری»، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: WWW.Khamenei.ir.
۳. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، سید روح‌الله (۱۳۵۸)، «صحیفه»، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه).
۴. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲)، «روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی»، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۵. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، «مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران»، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۶. چگینی، عباس (۱۳۹۸)، «نظام مدیریت استراتژیک دفاعی»، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، «جریان‌شناسی فکری معاصر ایران»، قم: انتشارات موسسه فرهنگ حکمت نوین اسلامی.
۸. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۱)، «روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت»، تهران: انتشارات صفار- اشرافی.
۹. داودی، علی‌اصغر؛ مهدی‌پور، ملیحه (۱۳۹۱)، «نقش رسانه‌های جمعی در امنیت شهرهای مرزی»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۰. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۹۳)، «مرزبان‌نامه»، قم: انتشارات حوزه علمیه.
۱۱. رحیمی، اکبر؛ راد، عباس؛ عالم‌تبریز، اکبر؛ مؤتمنی، علیرضا (۱۳۹۷)، «به‌کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چاپک و تاب‌آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی؛ راهبردی جدید و مؤثر در ارتقای بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۷ (۸۶): صص ۵۸ - ۱۹.
۱۲. رستمی، علی‌اکبر؛ اسماعیلی، محمدمهدی (۱۳۹۵)، «راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان‌های تکفیری»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۵ (۸۱): صص ۴۰ - ۱.

۱۳. زروندی، مهدی؛ یاری، مریم (۱۳۹۷)، «کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۶ (۸۵): صص ۱۴۴ - ۱۱۷.
۱۴. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، «وهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه عملی»، چاپ چهارم، قم، موسسه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۳۹۳)، «سلفی‌گری در آینه تاریخ»، چاپ دوم، قم: انتشارات توحید قم.
۱۶. سید رضی (۱۳۸۶)، «نهج البلاغه»، ترجمه محمد دشتی، چاپ دوم، مشهد: آئین تربیت.
۱۷. شاهقلیان قهفرخی، رضا؛ رستمی، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، «تبیین زیرساخت‌های ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۵ (۸۳): صص ۱۱۹ - ۱۵۴.
۱۸. طاهری، مهدی؛ احمدوند، شجاع (۱۳۹۴)، «وهابیت و استمرار حکومت آل سعود»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۵ (۴): صص ۱۱۱ - ۸۷.
۱۹. فلاح، محمدهادی (بی‌تا)، «مقدمه‌ای بر جریان سلفیت در جهان اسلام»، جزوه پژوهشی منبع تدریس دوره دکتری در سال ۱۳۹۸.
۲۰. فیروزآبادی، سید حسن و همکاران (۱۳۹۳)، «تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم»، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۱. قنبری، محمد؛ بیات، بهرام (۱۳۹۸)، «محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۴ (۴۶): صص ۱۵۹ - ۱۸۵.
۲۲. علیزاده موسوی، مهدی (۱۳۹۳)، «تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت»، قم: انتشارات آوای منجی.
۲۳. محمدحسینی، مسعود؛ صفوی، یحیی (۱۳۹۱)، «مرزهای ایران: همراه با تغییرات جدید در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام).
۲۴. محمدی‌الموتی، محسن؛ وثوقی، سعید؛ امام‌جمعه‌زاده، جواد (۱۳۹۷)، «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش‌آفرینی جریان تکفیری»، دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی، ۱۴ (۳۹): صص ۱۴۵ - ۱۶۶.
۲۵. مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، «تهدید و امنیت»، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.

۲۶. مزینانی، احمد؛ خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۴)، «*پدیدارشناسی تکفیرگرایی و ارزیابی امنیتی آن*»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، ۳(۱۴): صص ۲۷-۱.
۲۷. معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۴)، «*تروریسم تکفیری در غرب آسیا*»، تهران: انتشارات موسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
۲۸. معین، محمد (۱۳۶۴)، «*فرهنگ فارسی معین*»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، «*وهابیت بر سر دوراهی*»، چاپ چهاردهم، قم: انتشارات امام علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام).
۳۰. مهدی‌پور، فرشاد (۱۳۹۳)، «*گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری - فرهنگی در ایران معاصر*»، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی، ۲: صص ۳۰-۷.
۳۱. نصیری‌دامغانی، عباس (۱۳۹۳)، «*جریان‌شناسی سلفی تکفیری (داعش)*»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۲. هاشمی، حمید (۱۳۹۰)، «*جنگ نرم در دنیای معاصر*»، تهران: انتشارات مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

ب) منابع لاتین

1. Brauch, H.G. (2011). *"Concepts of Security Threats, Challenges, Vulnerabilities and Risks"*. Hexagon Series on Human and Environmental Security and Peace, 5: 61-106. DOI: 10.1007/978-3-642-17776-7_2.
2. Charmaz, K. (2006). *"Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis"*. Sage.
3. Glaser, B. (1992). *"Basics of Grounded Theory Analysis"*. Mill Valley: Sociology Press.
4. Premaratne, U. (2016). *"Reconciling the Irreconcilable: The Use of Reasonable Consequentialism for the Conundrum of National Security and Fundamental Rights"*. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/308938733>.

5. Strauss, A., & Corbin, J. (2014). *"Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (Fourth Ed.)"*. USA: Sage Publications.

ج) تارنما

۱۵۸

۱. خبرگزاری تابناک (۱۳۹۶)، «*حادثه تروریستی تهران*»، کد خبر: ۷۰۱۳۷۵ نوشته شده در تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۰۷، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۷. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://www.tabnak.ir/fa/news/701375>. در نهایت، محدودیت‌های پژوهش عبارت بودند از: ضعف تعمیم‌پذیری آماری در روش‌های پژوهش کیفی، نبود معیارهای روشن و شفاف برای ارزیابی کیفیت و قدرت داده‌ها و دشواری دسترسی به داده‌ها
۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، «*گزارش جمعیتی سرشماری در کشور، سال ۱۳۹۵: استان کرمانشاه*»، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://www.amar.org.ir>.